

معماری زمینه‌گرا در تقویت هویت شهری و توسعه گردشگری پایدار (مطالعه موردی: اقامتگاه‌های بوم‌گردی سواحل مکران)*

مریم قیمتی**، نسیم اشرافی**، غزال صفدریان***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

چکیده

منطقه مکران با برخورداری از ظرفیت‌های کم‌نظیر طبیعی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی، بستر مناسبی برای توسعه گردشگری پایدار به‌شمار می‌رود. با این حال، توسعه ناهماهنگ و نادیده گرفتن زمینه‌های بومی، منجر به تضعیف هویت محلی، تخریب محیط‌زیست و کاهش مشارکت جوامع محلی شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر معماری زمینه‌گرا در تقویت هویت شهری و توسعه گردشگری پایدار، به مطالعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی در سواحل مکران می‌پردازد. این پژوهش با روش ترکیبی توصیفی-تحلیلی و مطالعات میدانی، و از طریق مصاحبه، پرسشنامه و تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، داده‌ها را گردآوری و تحلیل کرده است. نتایج نشان می‌دهد مولفه‌هایی چون حفظ هویت فرهنگی، استفاده از مصالح بومی، سازگاری با اقلیم و مشارکت‌پذیری اجتماعی، بیشترین تاثیر را در طراحی اقامتگاه‌ها دارند. این یافته‌ها تاکید می‌کنند که معماری زمینه‌گرا، ضمن پاسخ‌گویی به شرایط اقلیمی و فرهنگی، می‌تواند الگوی موثری برای طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی و توسعه پایدار در مناطق مشابه باشد.

واژه‌های کلیدی

معماری زمینه‌گرا، هویت شهری، گردشگری پایدار، اقامتگاه‌های بوم‌گردی، سواحل مکران، روش AHP.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان: «اصول و راهبردهای معماری زمینه‌گرا در اقامتگاه‌های بوم‌گردی سواحل مکران- چابهار» است که با راهنمایی دکتر نسیم اشرافی و مشاوره دکتر غزال صفدریان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس در حال انجام است.
** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Maryam.Gheymati73@gmail.com

*** دانشیار گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات).

Email: N.ashrafi.P@iau.ac.ir

**** استادیار گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: safdarian@pardisiu.ac.ir

مقدمه

در عصر جهانی شدن، حفاظت از هویت فرهنگی و بومی در برابر جریان‌های یکنواخت‌کننده بین‌المللی به یکی از چالش‌های اساسی جوامع تبدیل شده است. معماری زمینه‌گرا، به عنوان رویکردی کل‌نگر در طراحی فضاهای مصنوع، می‌کوشد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، فرهنگی و اقلیمی هر منطقه، به خلق محیط‌هایی معنادار، پایدار و سازگار با زمینه پیرامونی کمک کند. این رویکرد، به‌ویژه در حوزه گردشگری، می‌تواند نقش موثری در حفظ هویت محلی و توسعه پایدار ایفا نماید. جمهوری اسلامی ایران با تنوع اقلیمی، فرهنگی و طبیعی گسترده، ظرفیت‌های ارزشمندی برای توسعه گردشگری پایدار دارد. در این میان، سواحل مکران در جنوب شرق کشور، با حدود ۶۰۰ کیلومتر نوار ساحلی و موقعیت راهبردی در حاشیه دریای عمان، از مستعدترین مناطق کشور برای توسعه گردشگری محسوب می‌شود. این منطقه که از سیریک در جنوب استان هرمزگان تا مرز گواتر در سیستان و بلوچستان امتداد دارد، با برخورداری از طبیعت بکر، فرهنگ محلی غنی و دسترسی به آب‌های آزاد، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به قطب گردشگری پایدار دارد (ویسی، ۱۴۰۲، ۳۱-۵۴).

با این وجود، توسعه‌های ناهماهنگ، غفلت از هویت فرهنگی و نادیده گرفتن ویژگی‌های بومی در پروژه‌های گردشگری، موجب بروز چالش‌هایی چون تخریب محیط‌زیست، کاهش حس تعلق ساکنان و تضعیف سرمایه فرهنگی منطقه شده است. طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی با رویکرد معماری زمینه‌گرا می‌تواند الگویی موثر برای توسعه‌ای متوازن و هویت‌محور فراهم آورد. این مقاله با هدف تبیین نقش معماری زمینه‌گرا در تقویت هویت شهری و توسعه گردشگری پایدار در سواحل مکران تدوین شده و تلاش دارد راهبردهای طراحی متناسب با بافت فرهنگی و اقلیمی منطقه را استخراج کند.

بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، معماری زمینه‌گرا بیش از گذشته مورد توجه محافل معماری قرار گرفته است. این رویکرد، با درک ساختار ذهنی و عینی محیط و پیوند دادن ادراک مخاطب با زمینه، در پی ایجاد محیط‌های مصنوع معنادار است. زمینه‌گرایی به عنوان یک رویکرد کل‌نگر، ابعاد گوناگونی از جمله کالبدی، طبیعی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد و در سیر تکاملی خود، از توجه صرف به ابعاد کالبدی فراتر رفته و به وجوه اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نیز پرداخته است. این تحول، زمینه‌گرایی را به عنوان راهبردی برای بازیابی مکان، تقویت ارزش‌های انسانی و دستیابی به توسعه پایدار مطرح کرده است.

منطقه سواحل مکران، به‌ویژه شهر چابهار، با دارا بودن جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی منحصر به فرد، از پتانسیل بالایی برای توسعه گردشگری پایدار برخوردار است. با این حال، توسعه نامتوازن و عدم توجه به هویت محلی و معماری بومی، چالش‌های جدی در حفظ محیط زیست و فرهنگ منطقه ایجاد کرده است. اقامتگاه‌های بوم‌گردی به عنوان یکی از ارکان اصلی گردشگری پایدار، می‌توانند با بهره‌گیری از اصول معماری زمینه‌گرا، به تقویت هویت شهری و توسعه پایدار کمک کنند. اما پرسش اصلی این است که اصول و راهبردهای معماری زمینه‌گرا در طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی سواحل مکران چگونه تعریف می‌شود؟ این پژوهش با هدف پاسخ به این پرسش، به تحلیل تحول نظریه زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی می‌پردازد و با بررسی نظرات متخصصان و نمونه‌های عملی، ابعاد، ویژگی‌ها و مولفه‌های اصلی این حوزه را تبیین می‌کند. در این راستا، پس از مرور پیشینه موضوع و ارائه تعاریف مرتبط، جایگاه زمینه‌گرایی در جنبش‌های معاصر معماری بررسی شده و اصول و راهبردهای معماری زمینه‌گرا در طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی تحلیل می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان راهنمایی برای طراحی اقامتگاه‌هایی باشد که هم‌زمان به حفظ هویت محلی، پایداری محیطی و جذب گردشگران کمک کنند.

در دهه‌های اخیر، رشد شتابان شهرنشینی و گسترش الگوهای جهانی طراحی معماری، منجر به نوعی یکسان‌سازی در فرم و عملکرد فضاهای ساخته شده شده است. این روند، نه تنها باعث کاهش تنوع و غنای فرهنگی در معماری شده، بلکه رابطه انسان با مکان و هویت بومی را نیز تضعیف کرده است. در واکنش به این روند، معماری زمینه‌گرا به عنوان جریانی معاصر در طراحی فضاهای مصنوع مطرح شده که تلاش می‌کند طراحی را بر مبنای درک عمیق از زمینه‌های فرهنگی، اقلیمی، تاریخی و اجتماعی هر مکان شکل دهد (قلعه‌نویی، ۱۴۰۱؛ ذاکری، ۱۳۹۰).

معماری زمینه‌گرا دیگر صرفاً به تبعیت شکلی از بافت یا اقلیم محدود نمی‌شود، بلکه به درکی وجودی و معنادار از مکان گرایش دارد، تا از خلال آن، تجربه فضایی اصیل و هویت‌مند برای ساکنان و کاربران فراهم شود (ذاکری، ۱۳۹۰). نوربرگ شولتز در این باره مفهوم "سکونت شاعرانه" را مطرح می‌کند که معمار باید امکان تجربه مکان را در نسبت با تاریخ، فرهنگ، اقلیم و روان‌شناسی جمعی کاربران فراهم کند. در این راستا، رویکردهای طراحی زمینه‌گرا با الگوهایی چون تبعیت، تقابل و تعامل با زمینه مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده‌اند که مدل‌های تعاملی در تلفیق هویت بومی با نیازهای معاصر موفق‌تر عمل می‌کنند (قنبری و یگانه، ۱۳۹۶).

توسعه منظرگرا-بوم‌گرا را به‌عنوان نسخه تکامل‌یافته شهرسازی منظرگرا-بوم‌گرا، یک گفتمان متاخر در معماری و شهرسازی غرب می‌دانند که ریشه در جنبش‌های محیطی قرن گذشته دارد. این رویکرد با تمرکز بر مفهوم منظر و بوم‌شناسی منظر، امکانات جدیدی برای شهرهای معاصر فراهم می‌کند. توسعه تدریجی، یکپارچگی، آمیختگی با طبیعت، چنددانشی بودن و پیوستگی با سیاست از ویژگی‌های مشترک این رویکرد با معماری و شهرسازی ایرانی هستند. این رویکرد با فاصله گرفتن از روش‌های سنتی شهرسازی، شیوه‌ای نو در شکل‌دهی محیط مصنوع پایه‌گذاری می‌کند و به‌عنوان نقطه تلاقی معماری و شهرسازی غرب و معماری بومی ایران شناخته می‌شود (محبی و طاهباز، ۱۴۰۲، ۷۰-۸۵).

نوربرگ شولتز در نظریه «سکونت شاعرانه» بر اهمیت «تجربه مکان» در معماری تأکید کرده و بیان می‌کند که معمار باید بتواند فضایی خلق کند که انسان در آن احساس تعلق، معنا و حضور داشته باشد. این تجربه، از دل عناصر زمینه‌ای چون اقلیم، فرهنگ، تاریخ، طبیعت و ساختار اجتماعی نشأت می‌گیرد (Norberg-Schulz, 1980). در همین راستا، رلف مفهوم «بی‌مکانی» را مطرح می‌کند و آن را نتیجه فرایندهای طراحی بی‌توجه به زمینه بومی می‌داند؛ پدیده‌ای که به‌ویژه در فضاهای گردشگری تکراری و بدون هویت مشاهده می‌شود (Relph, 1976).

از سوی دیگر، فرامپتون در مقاله مشهور خود با عنوان «به سوی یک منطقه‌گرایی انتقادی»^۲ بر لزوم شکل‌گیری یک معماری انتقادی-بومی تأکید می‌کند که ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای فناوری معاصر، ریشه در اقلیم، فرهنگ و سنت‌های محلی داشته باشد. او بر اهمیت «لمس‌پذیری» در معماری و مقاومت در برابر همگن‌سازی فرهنگی جهانی‌شده تأکید دارد (Frampton, 1983).

با بازخوانی دیدگاه‌های نوربرگ شولتز، جایگاه معنا، حس مکان و تجربه زیسته را در شکل‌گیری معماری زمینه‌گرا بررسی کرده و بر ضرورت طراحی مکان‌مند در بافت‌های فرهنگی و بومی ایران تأکید می‌کند (ذاکری، ۱۳۹۰). قنبری و یگانه نیز با تحلیل تطبیقی پروژه‌های معماری فرهنگی معاصر، سه رویکرد اصلی در مواجهه با زمینه شامل تبعیت، تقابل و تعامل (راهکار میانه) را مطرح کرده و نشان داده‌اند که رویکرد تعاملی بهترین نتایج را از حیث حفظ هویت و ارتقای کیفیت فضایی به‌دنبال دارد (قنبری و یگانه، ۱۳۹۶).

در این میان، اقامتگاه‌های بوم‌گردی به‌عنوان یکی از مولفه‌های اصلی گردشگری پایدار، از ظرفیت بالایی برای بازنمایی فرهنگ محلی و استفاده از معماری زمینه‌گرا برخوردارند. این اقامتگاه‌ها می‌توانند به‌مثابه بسترهایی برای تجربه زیست بومی، تعامل با جامعه محلی، و حفظ هویت کالبدی و معنایی فضا عمل کنند. قنبری‌نژاد ناصری و اسدی ملک جهان نشان دادند که طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی با استفاده از عناصر بومی، نه تنها موجب افزایش رضایتمندی گردشگران می‌شود، بلکه تعاملات اجتماعی و فرهنگی جامعه میزبان را نیز تقویت می‌کند. با این حال، در بسیاری از مناطق ایران از جمله سواحل مکران، روند طراحی و ساخت اقامتگاه‌های گردشگری، اغلب بدون توجه به ویژگی‌های بومی و زمینه‌گرا انجام می‌شود. منطقه مکران با تنوع فرهنگی، قومی، اقلیمی و مناظر طبیعی منحصر به فرد خود، بستری ممتاز برای توسعه گردشگری پایدار و هویت‌محور به‌شمار می‌رود. اما در غیاب یک رویکرد طراحی مبتنی بر زمینه، این پتانسیل به تهدیدی برای تخریب ارزش‌های بومی و محیط‌زیست تبدیل می‌شود (قنبری‌نژاد ناصری و اسدی ملک جهان، ۱۳۹۹).

مولایی و بهزادفر نیز بر اهمیت بهره‌گیری از مزیت‌های بومی در توسعه هویت‌مند و پایدار مناطق تأکید دارند و معتقدند نادیده گرفتن عناصر بومی، موجب ضعف در پایداری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توسعه گردشگری می‌شود (مولایی و بهزادفر، ۱۳۹۸).

در چنین شرایطی، سوال اساسی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان از اصول و راهبردهای معماری زمینه‌گرا در طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی سواحل مکران بهره گرفت، به‌گونه‌ای که هویت محلی حفظ شده و توسعه گردشگری در مسیر پایداری قرار گیرد؟ این پژوهش با تکیه بر مبانی نظری، تحلیل نمونه‌های بومی، و بهره‌گیری از تجارب پژوهش‌های پیشین، می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد و راهکارهایی برای ارتقای کیفیت فضایی، حفظ هویت محلی و توسعه پایدار گردشگری در منطقه ارائه نماید.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری و تجربی مرتبط با موضوع معماری زمینه‌گرا و نقش آن در تقویت هویت و پایداری گردشگری، گستره‌ای میان‌رشته‌ای از مباحث معماری، جغرافیای انسانی، نظریه مکان و توسعه پایدار را در بر می‌گیرد. ریشه‌های این جریان فکری را می‌توان در انتقادات مطرح‌شده علیه مدرنیسم و جهانی‌سازی فرهنگی در دهه‌های پایانی قرن بیستم جست‌وجو کرد؛ زمانی که یکسان‌سازی معماری جهانی، موجب تهی‌شدن فضاها از معنا و گسست آن‌ها از زمینه‌های بومی و تاریخی شد (Norberg-Schulz, 1980).

در حوزه گردشگری، پژوهش مولایی و بهزادفر بر نقش سرمایه‌های بومی و هویتی در برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار گردشگری تأکید دارند. آن‌ها بیان می‌کنند که شناخت و استفاده از مزیت‌های بومی، علاوه بر ارتقای پایداری اقتصادی، می‌تواند به حفظ یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی در مناطق توریستی کمک کند (مولایی و بهزادفر، ۱۳۹۸). در همین زمینه، با مطالعه میدانی در اقامتگاه‌های بوم‌گردی استان گیلان، به نقش طراحی زمینه‌گرا در ارتقای تجربه گردشگران، حفظ معماری بومی و ایجاد تعاملات مثبت میان گردشگران و جامعه محلی پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که ادراک مثبت گردشگر از فضا، ارتباط مستقیمی با هماهنگی طراحی با اقلیم، مصالح بومی و هویت فرهنگی دارد (قنبری‌نژاد ناصری و اسدی ملک جهان، ۱۳۹۹). روند تحول زمینه‌گرایی در معماری معاصر را از منظر تاریخی بررسی کرده و از "زمینه‌گرایی صوری" به "زمینه‌گرایی معناگرا" گذار می‌کند؛ تحولی که با تأکید بر مفاهیمی چون مشارکت محلی، معنا و پایداری فرهنگی در طراحی، شکل می‌گیرد (قلعه‌نویی، ۱۴۰۱، ۵-۲۸). این نگرش، با نظریه‌های متاخر مکان‌گرایی نیز هم‌راستا است که بر پیوند میان هویت، فضا و تجربه زیسته در قالب "حس مکان" تأکید دارند (Tuan, 1977; Relph, 1976). همچنین، تئوری‌های مربوط به «فضای رفتاری» و «ادراک فضا» در حوزه روان‌شناسی محیط، از جمله نظریات کانترو، بر اهمیت درک کاربر از کیفیت محیط مصنوع تأکید دارند و نشان می‌دهند که هم‌خوانی فضا با زمینه فرهنگی و اقلیمی، نقشی تعیین‌کننده در پایداری استفاده از آن دارد (Canter, 1997). با تمرکز بر شاخص‌های زمینه‌گرایی در فرآیند طراحی، از طریق مصاحبه با خبرگان، نشان دادند که ابعاد کالبدی، فضایی، مادی، اجتماعی و فرهنگی زمینه بر طراحی معماری موثر هستند. آن‌ها معتقدند فرایند طراحی معماری پیچیده است و مرحله ایده‌آل و شکل‌گیری اولیه طرح بسیار مهم است. استفاده از زمینه و بستر طراحی به عنوان نقطه آغاز مهم در فرایند طراحی معماری است (حاجی‌زاده علمداری و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۱۵-۱۲۳). مطالعه اخیر با تمرکز بر رابطه منظر فرهنگی و حافظه جمعی، بر ضرورت همگامی طراحی معماری با ویژگی‌های زمینه‌ای به عنوان عامل هویت‌بخش فضاهای عمومی تأکید داشته است (Olwig, 2019). همچنین، در چارچوب طراحی پایدار و اصول طراحی "گهواره تا گهواره" بر استفاده مجدد از منابع محلی، سازگاری با اقلیم و کاهش تأثیرات زیست‌محیطی در طراحی تأکید می‌کند (McDonugh & Braungart, 2020). در مطالعه‌ای در قبرس شمالی، نقش معماری سنتی اقامتگاهی را در تقویت توسعه گردشگری پایدار برجسته کرده‌اند. آنان نشان می‌دهند اقامتگاه‌هایی که با استفاده از مصالح محلی، ساختارهای سنتی بومی و طراحی مطابق اقلیم، تجربه‌ای اصیل برای گردشگران فراهم می‌آورند و در نتیجه،

افزایش علاقه و احساس تعلق فرهنگی مهمانان را به همراه دارند. نویسندگان این پروژه تأکید می‌کنند که «ساختمان‌های به روزرسانی شده یا بازسازی شده با ویژگی‌های معماری بومی، هویت فرهنگی را حفظ و در عین حال زمینه مناسبی برای تعامل گردشگر-میزبان فراهم می‌کنند. در این پژوهش، نویسندگان تأثیر ویژگی‌های معماری سنتی و بومی اقامتگاه‌ها در تقویت هویت محلی و افزایش رضایت گردشگران را در بستر توسعه پایدار بررسی کرده‌اند (Türkan & Yilmaz, 2023).

در پژوهشی تحلیلی درباره توسعه بوم‌گردی و پایداری تأکید کردند که بوم‌گردی به حوزه‌ای بین‌رشته‌ای با تأثیرات حوزه‌های انسانی، زیست‌محیطی و اقتصادی تبدیل شده است. آن‌ها به مرور نظام‌مند و تحلیل دیداری روند پژوهش‌های بوم‌گردی در سه دهه اخیر، تأکید دارند که نسل جدید بوم‌گردی نیازمند نگاه زمینه‌گرا و میان‌رشته‌ای است؛ و وارد فاز سوم تکامل علمی خود شده است. این پژوهشگرها نتیجه گرفتند: "پس از طی مراحل اولیه توجه به دخالت انسان و خدمات اکوسیستمی، اکنون تمرکز اصلی بر توسعه پایدار زیست‌محیطی و اجتماعی است که مستلزم طراحی و مدیریت مبتنی بر بستر است" (Xu, Ao, Liu, & Cai, 2022).

با تجمیع این مطالعات، می‌توان دریافت که معماری زمینه‌گرا، هم از منظر نظری و هم در تجربه عملی، ظرفیت بالایی برای تقویت حس مکان، ارتقای هویت فرهنگی، تعامل اجتماعی و پایداری گردشگری دارد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها یا به تبیین مفاهیم نظری و رویکردهای کلی معماری زمینه‌گرا پرداخته‌اند مانند (Frampton, 1983; Norberg-Schulz, 1980؛ قلعه‌نویی، ۱۴۰۱)، یا مطالعات موردی آن‌ها محدود به مناطق خاصی مانند شمال ایران یا فضاهای شهری بوده‌اند (قنبری‌نژاد ناصری و اسدی ملک جهان، ۱۳۹۹؛ قنبری و یگانه، ۱۳۹۶). در این میان، پژوهشی که به طور جامع به اصول طراحی زمینه‌گرا در اقامتگاه‌های بوم‌گردی سواحل مکران، با توجه به شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی خاص آن منطقه بپردازد، همچنان جای خالی دارد.

بنابراین، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مبانی نظری پیش‌گفته و تجارب میدانی، تلاش دارد تا چارچوبی بومی و کاربردی برای طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی در سواحل مکران ارائه کند که با زمینه اقلیمی- فرهنگی منطقه سازگار بوده و بتواند نقش فعالی در ارتقای هویت و پایداری گردشگری ایفا نماید.

مبانی نظری

مناطق ساحلی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، از اهمیت زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراوانی برخوردارند.

معماری ایرانی-اسلامی بر پایه مفاهیمی چون وحدت در کثرت، پیوند میان اجزای کالبدی و مفاهیم متافیزیکی، و درک چندلایه از فضا استوار بوده است (خضم افکن و همکاران ۱۳۹۹، ۱۴۹-۱۲۳).

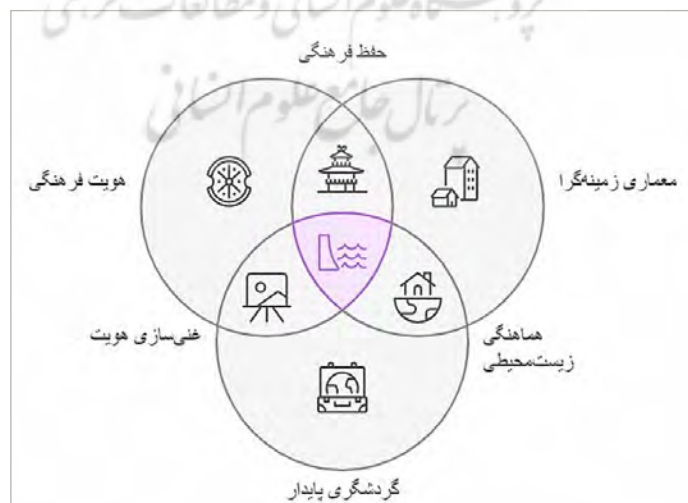
این نوع معماری، ضمن احترام به مولفه‌های اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی بستر، تجلی‌گاه نوعی ادراک قدسی از مکان است که از طریق نظام هندسی، محوریت، مرکزیت و سلسله‌مراتب در فضاهای معماری متبلور می‌شود (Kuban, 1985; Ardalan & Bakhtiar, 1973). نظریه‌پردازانی چون کنث فرامپتون نیز با طرح مفهوم "معماری مقاومتی"^۵، بر ضرورت بازخوانی زمینه‌های محلی در برابر روندهای همگن‌ساز مدرنیسم تاکید می‌کنند. از منظر فرامپتون، معماری باید با بهره‌گیری آگاهانه از فناوری‌های نوین، پاسخگوی شرایط خاص فرهنگی، تاریخی و اقلیمی هر منطقه باشد (Frampton, 1983).

در زمینه اقامتگاه‌های بوم‌گردی که ذاتاً مردمی، بوم‌محور و فرهنگی‌اند، معماری زمینه‌گرا می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء کیفیت فضایی، هویت محلی، حس تعلق و رضایتمندی گردشگران ایفا کند. این رویکرد با توجه به اقلیم، استفاده از مصالح بومی و تقویت سرمایه فرهنگی، به توسعه گردشگری پایدار کمک شایانی می‌کند (Saarinen, 2006; Simpson, 2008).

بنابراین نگارندگان معتقدند، معماری زمینه‌گرا نه تنها یک انتخاب زیبایی‌شناختی، بلکه راهبردی برای توسعه پایدار مبتنی بر بوم‌مکان و ارتقای کیفیت زندگی در نواحی ساحلی چون مکران محسوب می‌شود. این نگرش در پی ایجاد تعادل میان نوآوری معمارانه و اقتضائات بومی است؛ به گونه‌ای که فضاهای زیستی جدید نه تنها کارآمد و زیبا، بلکه واجد معنا، پیوند و هویت نیز باشند (شکل ۱).

به واسطه موقعیت خاص جغرافیایی، منابع طبیعی غنی، مناظر منحصر به فرد و مجاورت با دریاها، این مناطق همواره بستر مناسبی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی از جمله گردشگری محسوب می‌شوند (UNEP, 2020). ایران با برخورداری از بیش از شش هزار کیلومتر نوار ساحلی در سواحل دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان، به‌ویژه منطقه مکران، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای توسعه گردشگری ساحلی پایدار دارد. این ظرفیت‌ها در صورت برنامه‌ریزی منسجم، هم‌افزایی میان نهادهای متولی، مشارکت جوامع محلی و توجه به الگوهای معماری متناسب با محیط، می‌توانند بستری موثر برای بهبود معیشت ساکنان و رونق اقتصاد ملی فراهم کنند (نقوی و مظاهریان، ۱۳۹۸، ۸۰-۶۹).

معماری زمینه‌گرا به‌عنوان رویکردی نوین و در عین حال ریشه‌دار در طراحی، می‌تواند نقشی کلیدی در ساماندهی فضاهای زیست‌محیطی و فرهنگی ایفا نماید. این رویکرد بر اساس تعامل خلاقانه میان اثر معماری و بستر شکل‌گیری آن بنا شده و به جای تقلید صرف، به پاسخ‌دهی خلاقانه به مولفه‌های زمینه‌ای نظیر اقلیم، فرهنگ، تاریخ، بوم‌شناسی و فناوری‌های بومی توجه دارد. به عبارت دیگر، معماری زمینه‌گرا نه تنها محصول معماری را با ویژگی‌های مکانی هماهنگ می‌سازد، بلکه نقش فعال و سازنده‌ای در شکل‌دهی به هویت مکان ایفا می‌کند (Pérez-Gómez, 2008). نقوی و مظاهریان، معماری زمینه‌گرا را به مثابه پیوندی میان فضای ساخته‌شده و محیط پیرامون تعریف کرده و معتقدند توجه به زمینه نه تنها موجب ارتقای کیفیت کالبدی اثر، بلکه به تقویت انسجام فضایی، هویتی و زیباشناختی محیط نیز کمک می‌کند. این تعامل دوسویه، موجب می‌شود اثر معماری بخشی از زمینه گردد و با آن در تداوم و گفت‌وگویی پویا قرار گیرد (نقوی و مظاهریان، ۱۳۹۸).



شکل ۱. روابط کلیدی معماری زمینه‌گرا، هویت فرهنگی و بومی و توسعه گردشگری پایدار

Figure 1. Key relationships between contextual architecture, cultural and indigenous identity, and sustainable tourism development

ارکان مبانی نظری پژوهش

معماری زمینه‌گرا

معماری زمینه‌گرا به عنوان رویکردی نوین در طراحی، بر تناسب و همخوانی بنا با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی منطقه تاکید دارد. این رویکرد با استفاده از مصالح بومی، توجه به آداب و رسوم و سنت های محلی، و احترام به طبیعت، می تواند به اقامتگاههای بوم گردی هویت و اصالت ببخشد و تجربه ای منحصر به فرد و خاطره انگیز برای گردشگران رقم بزند. بنابراین طراحان و برنامه ریزان بایستی به دو مساله کلیدی توجه داشته باشند: اولاً، اینکه ساختمان‌ها باید از نظر انرژی بهینه باشند و مصرف انرژی شان کمتر باشد و دوماً، ساختمان‌ها باید با هویت معماری خاص محیط خود سازگار باشند. در این شرایط، معماران به دنبال روش‌هایی می‌گردند تا بتوانند این دو مساله را با هم ترکیب کنند. از جمله رویکردهای مورد استفاده معماران، طراحی ساختمان‌هایی است که ساختمان، به طور طبیعی با محیط پیرامون خود ارتباط دارد و باعث می‌شود که محیط پیرامون به ساختمان واکنش نشان دهد و برعکس. این رویکرد به دنبال ایجاد پیوند معنادار میان بنا و بستر فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی آن است. بر اساس دیدگاه نقوی و همکاران، زمینه‌گرایی رویکردی کل‌نگر است که به ابعاد کالبدی، طبیعی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی توجه دارد (نقوی و همکاران، ۱۳۹۸). در سیر تکاملی خود، این رویکرد از سطح فیزیکی فزاینده‌تر رفته و امروزه به‌عنوان راهبردی در جهت بازیابی مکان،

تقویت ارزش‌های انسانی و پایداری مطرح است (قشقایی و نادریان، ۱۴۰۱). در یک سرزمین با پیشینه فرهنگی غنی، طراحی معماری همواره تحت تاثیر مفاهیم هویتی، اعتقادات و باورهای جمعی قرار دارد. استفاده از مصالح بومی، توجه به سنت‌های محلی و احترام به طبیعت، موجب خلق فضاهایی با اصالت و هویت می‌گردد. از این‌رو، طراحان باید به دو هدف اصلی توجه کنند: (۱) بهینه‌سازی انرژی؛ و (۲) انطباق با هویت بومی. یکی از راهکارها، طراحی ساختمان‌هایی است که به‌طور طبیعی با محیط تعامل دارند و در نتیجه پیوندی دوسویه میان فضا و بستر پدید می‌آورند.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به چارچوب نظری، مدل مفهومی پژوهش (شکل ۲) بر پایه تلفیق رویکرد زمینه‌گرایی معماری با الزامات بوم‌گردی پایدار در منطقه مکران شکل گرفته است. در این مدل، سه معیار اصلی و (تعدادی زیرمعیار) تبیین شده‌اند. این مدل، زیربنای طراحی پرسشنامه ترکیبی شامل بخش کیفی، کمی و (AHP) را نیز تشکیل دادند. مولفه‌های کلیدی معماری زمینه‌گرا در اقامتگاه‌های بوم‌گردی (جدول ۱) تعیین و در تحلیل نهایی با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، وزن‌دهی و اولویت‌بندی معیارها مشخص شد سپس راهبرد طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی زمینه‌گرا در سواحل مکران ارائه گردید.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش
Figure 2. Conceptual model of the research

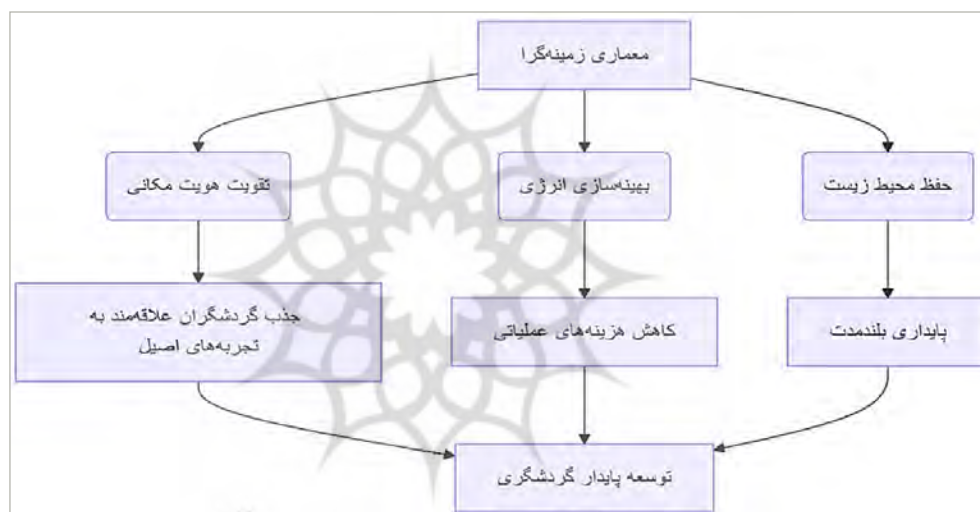
جدول ۱. مولفه‌های کلیدی معماری زمینه‌گرا در اقامتگاه‌های بوم‌گردی
Table 1. Key components of contextual architecture in ecotourism accommodations

نمونه‌های موردی در مکران	میزان تاثیر (از ۵-۱)	شاخص‌ها	مولفه
استفاده از بادگیر در اقامتگاه آژ	۴/۸	جهت‌گیری ساختمان، مصالح بومی	سازگاری اقلیمی
نقوش سوزن‌دوزی بلوچی در نما	۴/۶	الگوهای معماری سنتی، تزئینات محلی	هویت فرهنگی
آبگرمکن خورشیدی در اقامتگاه B	۴/۲	سیستم‌های بازیافت، انرژی سبز	پایداری محیطی
آموزش معماری بومی به جوانان محلی	۴/۴	استفاده از نیروی کار بومی	مشارکت جامعه محلی

چارچوب نظری پژوهش

۱. بعد هویتی: شامل مولفه‌هایی نظیر بازتاب فرهنگ بومی، استفاده از عناصر معماری محلی، تقویت حس مکان و تعلق اجتماعی.
 ۲. بعد اقلیمی: توجه به همخوانی با اقلیم گرم و مرطوب مکران، بهره‌گیری از مصالح بومی، تهویه طبیعی، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و الگوهای سنتی چون بادگیر، سایه‌بان و حیاط مرکزی.
 ۳. بعد گردشگری پایدار: شامل مشارکت جامعه محلی در طراحی، حفظ منابع زیست‌محیطی، آموزش و انتقال دانش بومی، و ایجاد فرصت‌های اقتصادی پایدار برای ساکنان منطقه.
- این سه بعد، به صورت متقابل بر یکدیگر اثرگذارند و در تلفیق با هم، امکان طراحی اقامتگاه‌هایی را فراهم می‌آورند که نه تنها با محیط طبیعی و فرهنگی خود سازگارند، بلکه می‌توانند به عنوان الگوهایی برای توسعه پایدار گردشگری در دیگر مناطق مشابه مورد استفاده قرار گیرند.

چارچوب نظری این پژوهش با تمرکز بر تعامل سه‌جانبه میان معماری زمینه‌گرا، اقامتگاه‌های بوم‌گردی و توسعه پایدار در بستر سواحل مکران، به دنبال تبیین مولفه‌هایی است که در تقویت هویت مکانی، ارتقاء کیفیت اقلیمی و پایداری گردشگری نقش دارند. این چارچوب، ضمن بهره‌گیری از نظریات بنیادین معماری زمینه‌گرا، همچون "معماری مقاومتی" (کنث فرامپتون، ۱۹۸۳)، مفهوم "معماری درون‌زا" (Tzonis & Lefaivre, 1996) و نظریه‌های حس مکان و هویت فرهنگی به دنبال طراحی الگوی بومی-مکانی برای سکونتگاه‌های گردشگری در سواحل جنوب شرقی ایران است (Tuan, 1977; Relph, 1976). چارچوب نظری رابطه بین معماری زمینه‌گرا و توسعه پایدار گردشگری بر سه محور اصلی بنا شده است (شکل ۳):



شکل ۳. رابطه بین معماری زمینه‌گرا و توسعه پایدار گردشگری
Figure 3. The relationship between contextual architecture and sustainable tourism development

گردشگری پایدار

گردشگری پایدار به توسعه گردشگری به گونه‌ای اشاره دارد که هم‌زمان به نیازهای فعلی گردشگران پاسخ دهد و منابع طبیعی، فرهنگی و اقتصادی را برای نسل‌های آینده حفظ کند. این نوع گردشگری بر مشارکت جامعه محلی، حفظ محیط زیست و تقویت هویت فرهنگی تأکید دارد. سازمان جهانی گردشگری گردشگری پایدار را به عنوان گردشگری تعریف می‌کند که تأثیرات منفی بر محیط زیست و فرهنگ محلی را به حداقل می‌رساند و به بهبود کیفیت زندگی جامعه محلی کمک می‌کند (UNWTO, 2020).

معماری زمینه‌گرا با طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی که از مصالح بومی استفاده می‌کنند و با اقلیم منطقه سازگار هستند، به توسعه گردشگری پایدار کمک می‌کند. این رویکرد، با جذب گردشگران و افزایش مدت اقامت آن‌ها، به رشد اقتصادی منطقه نیز کمک می‌کند.

هویت شهری

هویت شهری به ویژگی‌های منحصربه‌فرد یک شهر یا منطقه اشاره دارد که از طریق فرهنگ، تاریخ، معماری و محیط طبیعی آن شکل می‌گیرد. حفظ هویت شهری در توسعه گردشگری پایدار نقش کلیدی دارد، زیرا گردشگران به دنبال تجربه‌های اصیل و منحصربه‌فرد هستند. لانچ هویت شهری را به عنوان تصویری ذهنی تعریف می‌کند که ساکنان و بازدیدکنندگان از یک شهر در ذهن خود دارند. این تصویر، از طریق عناصری مانند معماری، مناظر شهری و فرهنگ محلی شکل می‌گیرد (Lynch, 1960).

معماری زمینه‌گرا با استفاده از مصالح بومی، الگوهای طراحی سنتی و سازگاری با اقلیم، به تقویت هویت شهری کمک می‌کند. این رویکرد، با ایجاد حس تعلق و مالکیت در جامعه محلی، به حفظ و تقویت هویت مکانی کمک می‌کند.

اقامتگاه‌های بوم‌گردی و نقش آن‌ها در معماری زمینه‌گرا و توسعه پایدار گردشگری

اقامتگاه‌های بوم‌گردی به‌عنوان یکی از جلوه‌های مهم گردشگری پایدار، نقش بسزایی در تقویت پیوند میان معماری، فرهنگ و محیط‌زیست ایفا می‌کنند. این نوع از اقامتگاه‌ها با تکیه بر حفظ هویت فرهنگی، بهره‌گیری از معماری بومی و استفاده از منابع طبیعی به‌صورت مسئولانه، الگویی برای توسعه متوازن گردشگری در مناطق حساس و کمتر توسعه‌یافته ارائه می‌دهند (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۲). معماری زمینه‌گرا به‌عنوان رویکردی که به زمینه‌های فرهنگی، اقلیمی، تاریخی و اجتماعی بستر طراحی توجه دارد، بستری مناسب برای طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گردی فراهم می‌آورد. این رویکرد با تأکید بر استفاده از مصالح بومی، بهره‌گیری از الگوهای سنتی معماری، سازگاری با اقلیم و ارتقاء حس مکان، به ایجاد فضایی منجر می‌شود که نه تنها پاسخ‌گوی نیازهای عملکردی هستند، بلکه در تقویت هویت محلی و انسجام اجتماعی نیز موثرند (Norberg-Schulz, 1980; Rapoport, 2005; قشقای، ۱۴۰۱).

بررسی‌های میدانی و مطالعات نظری نشان می‌دهد که اقامتگاه‌های بوم‌گردی زمینه‌گرا می‌توانند به‌عنوان عاملی برای بازتعریف هویت مکانی در مناطق بکر و روستایی عمل کرده و ضمن حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی، موجب ارتقاء کیفیت تجربه گردشگران و ایجاد درآمد پایدار برای جوامع میزبان شوند (UNWTO, 2020). "معماری بوم‌گردی زمینه‌گرا پلی میان گذشته و آینده است که با بهره‌گیری از دانش بومی، آینده‌ای پایدارتر می‌سازد". در این راستا، اقامتگاه‌های بوم‌گردی در مناطق حساسی همچون سواحل مکران، از ظرفیت بالایی برای تحقق توسعه پایدار برخوردارند. مناطقی که از غنای فرهنگی، زیستی و اقلیمی ویژه‌ای بهره‌مندند، با به‌کارگیری اصول معماری زمینه‌گرا می‌توانند به الگویی موفق برای تلفیق حفاظت محیط‌زیست، مشارکت جامعه محلی و تجربه اصیل گردشگر تبدیل شوند. در طراحی این اقامتگاه‌ها، توجه به جنبه‌های کالبدی (مانند مقیاس انسانی، فرم‌های همگن با بافت)، طبیعی (مانند جهت‌گیری مطلوب، تهویه طبیعی)، اجتماعی (مانند مشارکت بومیان) و فرهنگی (مانند بازنمایی نمادها و ارزش‌های محلی) ضروری است (Sharpley & Telfer, 2015). به عقیده نگارندگان، معماری زمینه‌گرا در اقامتگاه‌های بوم‌گردی نه تنها به

حفظ محیط‌زیست و فرهنگ محلی کمک می‌کند، بلکه با تقویت حس مکان و ایجاد تعامل پایدار میان انسان و طبیعت، بستری برای توسعه پایدار گردشگری و ارتقاء هویت شهری فراهم می‌آورد. چنین نگاهی می‌تواند الگویی برای توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی در سایر مناطق با شرایط مشابه باشد.

روش‌شناسی تمقیق

رویکرد کلی

این پژوهش با رویکرد آمیخته اکتشافی انجام گرفته که در دو مرحله متوالی کیفی و کمی اجرا شده است. طراحی پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه موردی چندگانه بوده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل:

۱. اقامتگاه‌های بوم‌گردی: ۱۲ اقامتگاه فعال (سنتی و مدرن) موجود در سواحل مکران (جدول ۲)؛
۲. خبرگان: ۱۲ نفر از کارشناسان معماری، برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی گردشگری؛
۳. ساکنان محلی: ۲۴ نفر از مسئولان محلی و صاحبان اقامتگاه‌ها؛ و
۴. گردشگران: ۵۰ نفر از بازدیدکنندگان و گردشگران ساکن در اقامتگاه‌ها.

مراحل گردآوری داده‌ها

داده‌ها در دو مرحله گردآوری شد:

۱. مرحله اول - کیفی: شامل: الف) مطالعات کتابخانه‌ای؛ ب) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، ساکنان محلی و مالکان اقامتگاه‌ها؛ و ج) مشاهده میدانی (بازدید از ۱۲ اقامتگاه و ثبت ویژگی‌های کالبدی و ۵ اقامتگاه منتخب؛ عکس‌برداری و ترسیم پلان‌های کلی).
۲. مرحله دوم - کمی: شامل: الف) پرسشنامه محقق‌شده (۵۰ پرسشنامه توزیع شده میان گردشگران، ۳۲ سوال در پنج بعد اصلی با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای و ضریب پایایی کرونباخ آلفا: ۰/۸۹-؛ و ب) چکلیست ارزیابی اقامتگاه‌ها (۴۵ شاخص طراحی شده بر اساس یافته‌های کیفی - ارزیابی هر اقامتگاه توسط ۳ کارشناس مستقل).

جدول ۲. ویژگی‌های نمونه اقامتگاه‌های سنتی و مدرن در مکران

Table 2. Typical characteristics of traditional and modern residences in Makran

نتیجه مقایسه	اقامتگاه‌های مدرن	اقامتگاه‌های سنتی	ویژگی
مصالح سنتی: ۳۰٪ سازگارتر با اقلیم	بتن، فولاد، شیشه	خشت، چوب محلی، سنگ مرجانی	مصالح ساختمانی
صرفه‌جویی: ۶۷٪ در نمونه‌های سنتی	۴۵ کیلووات ساعت/روز	۱۵ کیلووات ساعت / روز	مصرف انرژی
تفاوت معنی‌دار ($P < 0.05$)	امتیاز ۳/۲ از ۵	امتیاز ۴/۶ از ۵	رضایت گردشگران
صرفه‌جویی: ۵۲٪	۲۵۰ میلیون تومان	۱۲۰ میلیون تومان	هزینه ساخت

ابزارهای تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های کیفی شامل:

- تحلیل مضمون: شناسایی مضامین اصلی و فرعی؛ و
- کدگذاری محوری: استخراج مقوله‌های نظری.

تحلیل داده‌های کمی شامل:

- آمار توصیفی: نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶؛
- فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP): نرم‌افزار Expert Choice؛
- تحلیل فضایی: نرم‌افزار ArcGIS برای پهنه‌بندی
- "تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای وزندهی به اصول طراحی بر اساس اهمیت آن‌ها در پاسخ به پرسش پژوهش به کار رفت."

معیارهای کیفیت پژوهش

- اعتبار: اعتبار محتوا: بررسی پرسشنامه توسط ۵ استاد متخصص؛ و اعتبار سازه: تحلیل عاملی اکتشافی؛ اعتبار ملاکی: مقایسه با مطالعات مشابه.
- پایایی: پایایی درونی: ضریب آلفا کرونباخ $0.7 >$ ؛ و پایایی بین-ارزیاب: ضریب توافق کاپا $0.6 >$.

محدودیت‌های پژوهش

- محدودیت زمانی: انجام در فصل گردشگری (بهار و تابستان ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳)؛
- محدودیت مکانی: تمرکز بر سواحل مکران؛ و
- محدودیت دسترسی: برخی اقامتگاه‌های دورافتاده.

ملاحظات اخلاقی

- اخذ رضایت‌نامه کتبی از تمامی مشارکت‌کنندگان
- حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی
- ارائه نتایج به جامعه محلی

یافته‌ها

نتایج پژوهش، که از ترکیب روش‌های کیفی، کمی و تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) به‌دست آمده، نشان می‌دهد که رویکرد معماری زمینه‌گرا در اقامتگاه‌های بوم‌گردی سواحل مکران (چابهار) نقش موثری در تقویت هویت شهری و توسعه گردشگری پایدار ایفا می‌کند. تحلیل داده‌های حاصل از مقایسات زوجی AHP که با مشارکت ۱۵ نفر از متخصصان معماری، گردشگری و برنامه‌ریزی شهری انجام شد، حاکی از آن است که از میان سه معیار اصلی مورد بررسی، معیار هویت فرهنگی و معماری بومی بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است.

تلفیق تحلیل‌های کیفی، کمی و AHP

۱. نتایج کمی: تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

بر اساس نظرسنجی از ۱۵ خبره (معماری، گردشگری، برنامه‌ریزی شهری)، وزن‌دهی معیارهای کلیدی انجام شده است (جدول ۳).

۲. نتایج کیفی: مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

کدگذاری موضوعی مصاحبه‌های میدانی با جامعه محلی و متخصصان، ۵ مضمون کلیدی را آشکار کرد:

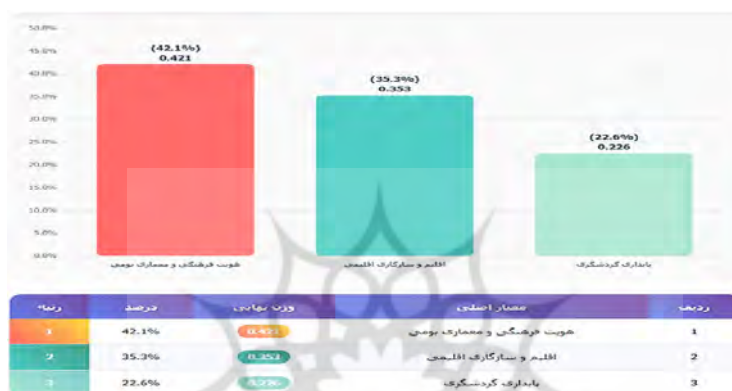
- حفظ اصالت در عین نوآوری: "معماری ما باید مثل لباس بلوچی باشد؛ ریشه در سنت دارد اما امروزی دوخته می‌شود" (مصاحبه‌شونده ۷، مالک اقامتگاه بوم‌گردی)؛
 - تلفیق دانش بومی و فناوری: نمونه: ترکیب بادگیرهای سنتی با سیستم‌های "خنک‌کننده غیرفعال"؛
 - معماری به مثابه روایت‌گر فرهنگ: استفاده از عناصر روایی مانند دیوارنگاره‌های محلی برای انتقال تاریخ منطقه؛
 - انعطاف‌پذیری فضایی: طراحی فضاهای چندعملکردی مطابق با الگوی استفاده فصلی گردشگران؛ و
 - اقتصاد چرخشی محلی: آموزش صنعتگران بومی برای تولید مصالح ساختمانی (مثال: خشت‌های مقاوم‌شده با الیاف نخل) (شکل ۴).
- یافته‌های کلیدی برای پاسخ به پرسش پژوهش (بر اساس ارزیابی معیارهای پایداری در اقامتگاه‌های منتخب)
- اصل تقدم هویت فرهنگی: طراحی باید مبتنی بر نظام نشانه‌شناسی بومی (مثل نقوش هندسی بلوچی) باشد؛
 - راهبردهای اقلیمی هوشمند: استفاده از سایبان‌های متحرک با الهام از "سایه‌بان‌های حصیری" سنتی؛
 - مدل حکمروایی محلی: تشکیل کمیته‌های مشترک تصمیم‌گیری بین معماران و ریش‌سفیدان محلی؛ و
 - پایداری اکولوژیک یکپارچه: ایجاد کریدورهای زیستی بین اقامتگاه و اکوسیستم ساحلی (شکل ۵).

پشتیبانی یافته‌ها با داده‌های میدانی

- آزمون آماری t-test نشان داد تفاوت رضایت گردشگران از اقامتگاه‌های زمینه‌گرا و متعارف معنی‌دار است ($p\text{-value}=0.003$).
- تحلیل SWOT مویدها آن است که تهدید اصلی، ساخت‌وسازهای غیربومی توسط سرمایه‌گذاران خارجی است. یافته‌ها چارچوبی عملیاتی برای طراحی اقامتگاه‌ها ارائه می‌دهد که هم در پژوهش مشابهه (Türkan & Yilmaz, 2023) دیده نشده و هم قابل تعمیم به سایر مناطق ساحلی ایران است.

جدول ۳. وزن‌دهی معیارهای کلیدی
Table 3. Weighting of key criteria

وزن زیرمعیار	زیرمعیارهای کلیدی	وزن نهایی	معیار
۰/۱۸	استفاده از نقوش سوزن‌دوزی بلوچی	۰/۴۲	هویت فرهنگی و معماری بومی
۰/۱۵	الگوهای فضایی مطابق با سبک زندگی محلی		
۰/۰۹	حفظ حریم‌های فرهنگی (جنسیتی، خانوادگی)		
۰/۱۲	تهویه طبیعی (بادگیرهای تطبیقی)	۰/۳۵	سازگاری اقلیمی
۰/۱	عایق‌کاری حرارتی با مصالح بومی		
۰/۱۳	سایه‌اندازی و جهت‌گیری بهینه		
۰/۰۸	استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر	۰/۲۳	پایداری اکولوژیکی
۰/۰۷	مدیریت پساب و بازیافت آب		
۰/۰۸	حداقل تخریب توپوگرافی سایت		



شکل ۴. مقایسه وزن معیارهای اصلی معماری زمینه‌گرا در طراحی - تحلیل فرایند سلسله مراتبی (AHP)

Figure 4. Comparison of the weight of the main criteria of context-oriented architecture in design - Analytical Hierarchy Process (AHP)



شکل ۵. ارزیابی معیارهای پایداری در اقامتگاه‌های منتخب

Figure 5. Evaluation of sustainability criteria in selected residences

نتیجه‌گیری

نیز مورد استفاده قرار گیرد. نتایج حاصل از تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) نشان داد که حفظ هویت فرهنگی، استفاده از مصالح بومی و سازگاری با اقلیم، بیشترین تاثیر را در طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گرا دارند. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین مانند **قنبری و یگانه (۱۳۹۶)** و **حاجی‌زاده علمداری و همکاران (۱۴۰۰)** همسو است که بر اهمیت توجه به زمینه‌های فرهنگی و اقلیمی در طراحی معماری تاکید کرده‌اند. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که معماری زمینه‌گرا می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی در توسعه گردشگری پایدار عمل کند.

این پژوهش به‌طور جامع به بررسی معماری زمینه‌گرا در تقویت هویت شهری و توسعه گردشگری پایدار در منطقه مکران پرداخته است. همچنین ثابت کرد که معماری زمینه‌گرا در مکران نیازمند رویکردی سه‌بعدی به اقلیم، فرهنگ و اکولوژی است که در ۵ اصل تجلی یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که طراحی اقامتگاه‌های بوم‌گرا با رویکرد زمینه‌گرا، نه تنها به حفظ محیط‌زیست و فرهنگ محلی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی برای توسعه پایدار در سایر مناطق مشابه

نقش نویسندگان

انجام کلیه مراحل پژوهش و نگارش مقاله توسط مریم قیمتی صورت گرفته است. نسیم اشرافی با راهنمایی علمی و بازبینی نسخه‌ها، و غزال صفدریان با مشاوره تخصصی و بازخوانی متن در پیشبرد پژوهش مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافع تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

تقدیر و تشکر

این پژوهش منتج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «اصول و راهبردهای معماری زمینه‌گرا در اقامتگاههای بوم گردی سواحل مکران-چابهار» با راهنمایی دکتر نسیم اشرافی و مشاوره دکتر غزال صفدریان و با حمایت دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پردیس انجام گرفته است. از همکاری پژوهشگاه وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در جهت انجام پژوهش فوق، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

فهرست مراجع

- حاجی‌زاده علمداری، کوروش؛ مختاباد امرئی، سید مصطفی؛ اعتصام، ایرج. (۱۴۰۰). ارزیابی شاخص‌های زمینه‌گرایی در فرایند طراحی معماری. جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۱(۲)، ۱۲۳-۱۱۵.
- خصم افکن نظام، عرفان؛ نویدی مجد، فرشته؛ فدوی انبیا، بابک. (۱۳۹۹). بازشناسی الگوها و رویه‌های معماری زمینه‌گرا در اندیشه و شهرهای اسلامی در عصر جهانی سازی. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۱۵(۱)، ۱۴۹-۱۲۳.
- ذاکری، محسن. (۱۳۹۰). مروری بر سه کتاب: ریشه‌های معماری مدرن، تحلیل فرم‌های معماری، و معماری زمینه‌گرا. کتاب ماه هنر، ۱۵۹، ۵۳-۴۸.
- رحیمی، نرگس؛ حسینی، سید سعید؛ مرادی، فاطمه. (۱۴۰۲). ارزیابی طراحی اقامتگاه‌های بوم گردی با رویکرد حفاظت از فرهنگ محلی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۱(۱)، ۴۶-۳۱.
- سازمان جهانی گردشگری. (2020). (UNWTO). گردشگری پایدار: مفاهیم و راهبردها.
- طاهرخانی، محمد؛ تیغمند، سمیه جهان؛ سلیمی سبحان، محمدرضا. (۱۳۹۹). ارزیابی اولویت بندی پتانسیل‌های زمین، گردشگری ژئوسایتها (مطالعه موردی: الموت قزوین با رویکرد حفاظت و گردشگری پایدار). جغرافیا، ۱۸(۶۴)، ۱۱۹-۱۰۶.

این موضوع با یافته‌های (طاهرخانی و همکاران، ۱۳۹۹) و (Yılmaz 2023) همخوانی دارد که معتقدند استفاده از مصالح محلی و الگوهای طراحی سنتی، تجربه‌ای اصیل برای گردشگران فراهم می‌آورد و منجر به افزایش رضایت و تعلق خاطر آنان می‌شود.

ارائه راهکارهای مبتنی بر یافته‌های عملیاتی

"پیشنهاد می‌شود شهرداری‌های ساحلی، ضوابط صدور مجوز اقامتگاه‌ها را بر اساس اصل سازگاری اقلیمی (مورد تایید این پژوهش) بازنگری کنند."

پیشنهادهای برای تحقیقات آتی:

- مطالعه تطبیقی در سایر مناطق گردشگری ایران
- بررسی تاثیر معماری زمینه‌گرا در مناطق دیگر مانند کویر مرکزی ایران یا سواحل دریای خزر می‌تواند به تدوین الگوهای بومی سازی شده کمک کند. این موضوع با یافته‌های **قنبری‌نژاد ناصری و اسدی ملک جهان (۱۳۹۹)** که بر لزوم تطبیق طراحی با ویژگی‌های منطقه‌ای تاکید دارند، مرتبط است.
- نقش فناوری‌های نوین در پایداری اقامتگاه‌های بوم گردی
- استفاده از فناوری‌های سبز (مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و سیستم‌های بازیافت آب) در کنار معماری سنتی می‌تواند پایداری اقامتگاه‌ها را افزایش دهد. این ایده با پژوهش (McDonough & Braungart, 2020) در زمینه طراحی پایدار همسو است.
- برنامه‌های آموزشی برای جوامع محلی و گردشگران
- افزایش آگاهی جامعه محلی درباره مزایای معماری زمینه‌گرا و آموزش گردشگران در زمینه احترام به فرهنگ و محیط زیست محلی، می‌تواند به پایداری بلندمدت کمک کند. این پیشنهاد با یافته‌های (Xu et al., 2022) درباره لزوم نگاه میان رشته‌ای در بوم گردی مرتبط است.
- تحلیل تاثیر اقتصادی معماری زمینه‌گرا
- مطالعات آینده می‌توانند به بررسی تاثیر اقتصادی اقامتگاه‌های زمینه‌گرا بر توسعه محلی بپردازند، موضوعی که **مولائی و بهزادفر (۱۳۹۸)** به آن اشاره کرده‌اند.

پی‌نوشت

- Placelessness
- Towards a Critical Regionalism
- Sense of place
- Cradle to Cradle
- Resistance architecture
- Passive Cooling

21. Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. Rizzoli.
22. Olwig, K. R. (2019). *Landscape, Nature and the Body Politic: From Britain's Renaissance to America's New World*. Routledge.
23. Pérez-Gómez, A. (2008). *Built upon Love: Architectural Longing after Ethics and Aesthetics*. MIT Press.
24. Rapoport, A. (2005). *Culture, architecture, and design*. Locke Science Publishing Company.
25. Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion.
26. Saarinen, J. (2006). "The Traditions of Sustainability in Tourism Studies". *Tourism Analysis*, 10(4), 475-481.
27. Sharpley, R., & Telfer, D. J. (Eds.). (2015). *Tourism and development: Concepts and issues* (2nd ed.). Routledge.
28. Simpson, M. C. (2008). "Community Benefit Tourism Initiatives: A Conceptual Framework". In: *Tourism and Responsibility: Perspectives from Latin America and the Caribbean*. Routledge.
29. Tuan, Y. F. (1977). *Space and place: The perspective of experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
30. Türkan, Z., & Yılmaz, R. (2023). The role of traditional accommodation architecture in sustainable tourism development: The case of Northern Cyprus. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 21(2), 165-182. <https://doi.org/10.1080/14766825.2022.2085036>
31. Tzonis, A., & Lefaivre, L. (1996). *Architecture of regionalism in the age of globalization: Peaks and valleys in the flat world*. Academy Editions.
32. United Nations Environment Programme. (2020). *Sustainable coastal tourism: An integrated planning and management approach*. Nairobi: UNEP.
33. Xu, G., Ao, Y., Liu, Y., & Cai, J. (2022). Ecotourism research in the context of sustainable development: A bibliometric and visual analysis. *Environment, Development and Sustainability*, 24, 11013-11038. <https://doi.org/10.1007/s10668-021-01814-w>
۷. قشقایی، رضا؛ نادریان، زهره. (۱۴۰۱). تحلیل و بررسی زمینه گرای در شکل و فرم معماری و شهر سازی معاصر جهان. علوم زیست محیطی و دانش جغرافی، ۹ (۱-۱۴): ۱۴.
۸. قلعه‌نویی، محمود. (۱۴۰۱). خاستگاه‌های اندیشه و روش زمینه‌گرایی در شهر سازی، معماری و حوزه های تاثیر گذار بر آن دو از دهه ۱۹۶۰ تا کنون. فصلنامه پژوهش های مکانی فضایی، ۷ (۱)، ۲۸-۵.
۹. قنبری نژاد ناصری، ندا؛ اسدی ملک جهان، فرزانه. (۱۳۹۹). رعایت اصول رویکرد زمینه‌گرا در طراحی مراکز اقامتی و گردشگری، پاسخی بر چگونگی معرفی خصوصیات منطقه‌ای و جذب توریسم در استان گیلان. شباک، ۵۵، ۱۰-۱.
۱۰. قنبری، ناصر؛ یگانه، منصور. (۱۳۹۶). اصول طراحی بناهای فرهنگی با رویکرد زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران. مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، ۳ (۱)، ۵۷-۳۹.
۱۱. محبی، حمید؛ طاهباز، منصوره. (۱۴۰۲). ریشه‌ها و مفاهیم توسعه منظر گرا-بوم‌گرا و زمینه‌های مشترک آن با معماری و شهر سازی ایرانی. منظر، ۶۳، ۸۵-۷۰.
۱۲. مولایی، محمد، و بهزادفر، بهزاد. (۱۳۹۸). بازخوانی نقش سرمایه‌های بومی در توسعه گردشگری پایدار شهری با تاکید بر هویت محله‌ای. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۷ (۲۴)، ۱۳۶-۱۱۵.
۱۳. نقوی، پویان؛ مظاهریان، حامد. (۱۳۹۸). تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری. باغ نظر، ۱۶ (۷۴)، ۸۰-۶۹.
۱۴. ویسی، هادی. (۱۴۰۲). توسعه منطقه مکران در گرو اتخاذ راهبردیابی و آمایش سرزمین. فصلنامه جغرافیا، دوره ۲۱، شماره ۷۷، ۳۱-۵۴.
15. Ardalan, N., & Bakhtiar, L. (1973). *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture*. University of Chicago Press.
16. Canter, D. (1997). *The facets of place*. Ashgate.
17. Frampton, K. (1983). *Towards a Critical Regionalism: Six Points for an Architecture of Resistance*. The Anti-Aesthetic: Essays on Postmodern Culture.
18. Kuban, D. (1985). *Muslim Religious Architecture: Development of Religious Architecture in Later Periods*. Brill.
19. Lynch, K. (1960). *The Image of the City*. MIT Press.
20. McDonough, W., & Braungart, M. (2020). *Cradle to Cradle: Remaking the Way We Make Things*. North Point Press.



Contextual Architecture in Strengthening Urban Identity and Sustainable Tourism

(Case Study: Ecotourism Resorts on the Coast of Makran)

Maryam Gheymati*, PhD student in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Pardis Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Nasim Ashrafari, Associate Professor, Department of Architecture, Campus Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Ghazal Safdarian, Assistant Professor, Department of Architecture, Pardis Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The Makran coastal region in southeastern Iran is characterized by exceptional natural landscapes, diverse cultural traditions, and significant geopolitical importance, offering a compelling foundation for sustainable tourism development initiatives. Despite its extraordinary potential, development efforts in this region have often been fragmented, uncoordinated, and implemented through top-down approaches that inadequately address local environmental, cultural, and social contexts. These shortcomings have led to the erosion of indigenous cultural identity, degradation of fragile coastal ecosystems, and the systematic marginalization of local communities from meaningful participation in tourism planning and decision-making processes.

This research investigates the role of context-oriented (vernacular) architecture in reinforcing regional and urban identity while promoting sustainable tourism development. It specifically focuses on the design, planning, and implementation of eco-lodges in coastal settlements throughout the Makran region. Adopting a mixed-methods research approach, the study integrates descriptive-analytical methods with detailed, extensive fieldwork. Data collection was conducted through semi-structured interviews with local experts, community leaders, and tourism stakeholders; standardized surveys administered to residents and tourists; and the application of the Analytic Hierarchy Process (AHP) for the systematic evaluation and prioritization of architectural design criteria and planning strategies.

The study's findings highlight several critical components that significantly influence the success of eco-lodge design. These include the preservation and authentic articulation of cultural identity, the use of locally sourced and sustainable building materials, traditional construction techniques, the adoption of climate-responsive passive design strategies, and the facilitation of genuine, inclusive community participation throughout the entire planning and design process. Specifically, integrating indigenous cultural narratives, local symbolism, and vernacular craft traditions into architectural forms strengthens place-based identity, ensures cultural continuity, and offers visitors an immersive, authentic experience that deepens emotional connections between guests and hosts.

Moreover, passive design solutions such as optimal building orientation in relation to solar exposure and prevailing winds, maximized natural ventilation, effective shading systems, and the strategic use of thermal massing reduce overall energy consumption while maintaining user comfort in the region's harsh, arid coastal climate. Prioritizing the use of local materials and labor not only reduces environmental impacts associated with transportation and manufacturing but also lowers overall construction costs while revitalizing the local economy. This approach supports employment opportunities, preserves valuable traditional building knowledge, and fosters local pride and ownership in the tourism development process.

Additionally, the research emphasizes the importance of participatory planning and community-led decision-making frameworks that empower local populations to actively shape tourism development in ways that align with their cultural values, economic needs, and environmental priorities. By presenting a context-sensitive design framework rooted in vernacular architectural principles, this study provides practical recommendations and guidance for architects, urban designers, planners, and policymakers engaged in developing sustainable tourism infrastructure in culturally and environmentally sensitive coastal regions such as Makran. Ultimately, the research argues that vernacular architecture should not be regarded merely as an aesthetic preference or nostalgic gesture but as an integrated, adaptive strategy for achieving sustainable development that balances tradition and innovation, respects local knowledge systems, and supports global environmental goals.

Keywords: Contextual architecture, urban identity, sustainable tourism, eco-lodges, Makran beaches, AHP method

*Corresponding Author Email: Maryam.Gheymati73@gmail.com